

سایه روشن‌های داستان یک کودتا

رویتز: گریز اردوغان از کودتا، چندان ساده نبود

□ **شقایق امیری/** نیمه‌های شب، تنها دو ساعت ونیم بعد از تلاش برای کودتا بود. گروه ۹ نفره وزیران ارشدی که در اتاق کنفرانس ساختمان نخست‌وزیری جمع شده بودند، نامیدانه به این نتیجه رسیدند که چیزی به پایان عمرشان نمانده؛ یکی از آنان روبه بقیه کرد و گفت: اگر موفق شوند، همه ما امشب می‌میریم. پس بیایید برای مرگ آماده شویم. اندکی بعد محافظانش به فرمان او از ساختمان خارج شدند تا برایش اسلحه بیاورند. اما او اسلحه نمی‌خواست. فقط نمی‌دانست وسط کودتا به چه کسی می‌تواند اعتماد کند.

زمانی که شبکه دولتی «ت.رت.» به دست شورشیان افتاد و مجری وادار به خواندن اعلامیه ارتش مبنی بر کودتا و محکومیت اردوغان شد، آنها در حال گفت‌وگو در یک نشست بودند. کابینه در عرض دودقیقه سقوط کرد و حالا دیگر نشست آنها معنایی نداشت.

اما تنها چند ساعت بعد طوفان به همان سرعت که آغاز شده بود، فرونشست. کودتا کوتاه اما خونین بود صدها نفر جان باختند و بریکه هزاران نفر زخم‌نشد. فردای کودتا تانک‌های متروکه و وسط خیابان نگاه کنجکا و عابران را به خود جلب می‌کند. ساختمان مباران شده پارلمان، نمادی از نهاد دموکراتیک چهره شهر را آشفته کرده است. اندک‌اندک با گذشت روزها جزئیات نشان می‌دهد، کودتا چگونه لورفته و کودتا چنان قدر به پیروزی نزدیک بوده‌اند. همه از آمانتور بودن کودتا چنان می‌گویند. اما اسناد فاش شده نشان می‌دهد، کودتا در یک قدمی پیروزی بوده است.

قدم به قدم با کودتا

آنکارا عصر جمعه را می‌گذراند. وزیر کشور و چند نفر از دیگر مقامات ارشد برای دیداری با درجه‌امنیته بالا به مرکز فرماندهی ارتش دعوت شده‌اند. دیداری که او در آن حاضر نمی‌شود و غیبتش از این نشست، بهانه بازداشت اومی شود. او به نشست نمی‌رود، زیرا سرش خیلی شلوغ است. وقتی کودتا لومی رود، معلوم می‌شود، در فرودگاه «اسنبوآی» آنکارا در حال مدیریت بحران بوده است. کودتا چنان در نقطه آغاز کودتا و پیش از آنکه رسماً آن را اعلام کنند، به سمت یکی از نخستین اهداف شان یعنی مارماریس حرکت می‌کنند. جایی که آنها تصور می‌کنند، رئیس جمهوری ترکیه در اقامتگاهش در این نقطه خوش آب و هوا به سر می‌برد. اما نمی‌دانند،

افزایش زندانیان سیاسی زن در ترکیه

زنان این کشور طی سال‌های اخیر در همه زمینه‌ها فعال تر شده‌اند

□ **مترجم: ندا آکیش/** پس از کودتای نافرجام ۱۵ ژوئیه ترکیه، رجب طیب اردوغان، رئیس جمهوری این کشور پاکسازی گسترده‌ای را در بخش‌های دولتی، خصوصی، ارتش، قوه قضائیه، دانشگاه‌ها، روزنامه‌ها، مؤسسه‌های خیریه، مدارس و... را در دستور کار خود قرار داد و دست کم ۴۳ هزار نفر را دستگیر کرد. «عاشیه نجمیه آلیا»، زبان‌شناس، مترجم، نویسنده، فعال صلح و روزنامه‌نگار ۷۰ ساله ترکیه‌ای یکی از این ۴۳ هزار نفر است که دستگیر شد و به مدت ۴ ماه زندانی بود. گفت‌وگوی او را با خبرنگار مجله «پست درگی» در ادامه می‌خوانید:

به خاطر اینکه در روزنامه «از گور گوندم» مشاور بودید، به شما اتهام «عضویت در یک گروهک تروریستی تجزیه طلب» زدند و دستگیر و ۴ ماه زندانی شدید، واقعا کار شما در روزنامه «از گور گوندم» چه بود؟

من باین هدف که روزنامه‌ها از جمله روزنامه «از گور گوندم» باید آزاد باشند عضو گروه مشاوران این روزنامه شدم تا آزادی مطبوعات حمایت کنم. در واقع گروه مشاوران این روزنامه فعالیت خاصی نکرده بود و در حد یک گروه سمبلیک باقی ماند. این حرکت ما حداقل کاری بود که می‌شد برای یک روزنامه که تحت فشار بیش از اندازه است، کرد.

آیامی شد بدون اینکه شمار زندانی کنند، از شما بازجویی کنند؟ آیا واقعا لازم بود ۴ ماه زندانی شوید؟

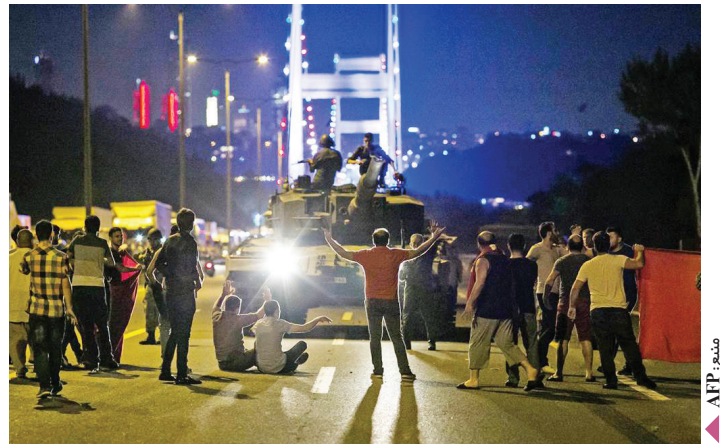
دولت دستور بر خورد جدی با تمام حرکت‌های آزادی طلبانه و کردی را صادر کرده بود. بر مبنای این دستور مقرر شده بود که آزادی مطبوعات به یکباره سرکوب شود و شد. هر کسی که به نوعی در این فهرست گنجانده می‌شد باید دستگیر می‌شد. از نقطه نظر دولت، «از گور گوندم» دیگر یک روزنامه نبود بلکه به یک گروه مسلح تبدیل شده بود.

افراد زیادی مانند شمار روانه زندان یا اخراج شدند. به نظر شما این رخدادها را چگونه می‌توان تحلیل کرد؟

در ترکیه به همان اندازه که در بحث تروریسم اختلاف نظر جدی وجود دارد به همان اندازه هم در بحث صلح اختلاف نظر داریم. من نمی‌گویم دولت به تنهایی کشور را به سمت آشفتگی



منبع: postDergi



منبع: AFP

اردوغان تنها ۲۰ دقیقه قبل از حمله، به طرز ناگهانی کاخ زیبای مارماریس را ترک کرده است. حدود ۲۵ سرباز با بالگردی به مارماریس می‌روند، با طناب از بالگرد پایین می‌روند و کاخ را به رگبار گلوله می‌بندند. اما خیلی زود متوجه می‌شوند، اردوغان آنجا را ترک کرده است.

در گزارش‌های اولیه رویتز که بعداً گاردین آنها را تأیید می‌کند، گریز اردوغان از مهلکه چندان ساده نبوده است. هواپیمای اردوغان به محض پرواز، هدف دو هواپیمای اف ۱۶ قرار می‌گیرد که سیستم هدف را در خود را روی هواپیمای ریاست جمهوری تنظیم کرده بودند. اما خلبان هواپیمای ریاست جمهوری به آنها می‌گوید، این یک هواپیمای مسافربری ترکیش ایرلاین است. آنها ادعای خلبان را می‌پذیرند و شلیک را متوقف می‌کنند.

حالا ساعت ۹ شب است. ژنرال محممت دیزلی برادر یکی از اعضای با سابقه حزب عدالت و توسعه، دستور کودتا را صادر می‌کند؛ نیروهای ویژه ارتش برای دستگیری افسران ارشد گسیل می‌شوند. تانک‌ها به سمت خیابان‌ها حرکت می‌کنند. یک ساعت بعد پیل بسفر و سلطان محمد در استانبول بسته می‌شود. ساعت ۱۰:۲۴ دقیقه شب شده است. کمال الدین هازمی، مشاور بین‌الملی بیلدریم، نخست‌وزیر به دفتر نخست‌وزیری می‌رود و می‌پرسد آیا کودتا واقعیت دارد؟ آنها ساعت ۱۰:۳۷ دقیقه به این نتیجه می‌رسند که باید خبر کودتا را تأیید کنند. به سراغ شبکه «ت.رت.» می‌روند اما ۱۰ دقیقه بعد شبکه تصرف می‌شود. پس باشبکه خصوصی «ان تی وی» تماس می‌گیرند، تا شاید از این طریق موفق به قرائت بیانیه بیلدریم شوند.

در این فاصله بیانیه ارتش که می‌گوید کنترل تمام کشور را در دست گرفته، منتشر می‌شود. یکی از مقامات پلیس که شب را در فرماندهی پلیسی که هدف حمله هوایی قرار گرفت، گذرانده، می‌گوید: مثل یک کابوس بود. نخستین چیزی که به آن فکر کردیم، نجات جانمان بود. با اسلحه‌های کوچک شروع به شلیک به سمت بالگردهای ارتش کردیم.

همه نامید بودند. تا اینکه ساعت ۱۲:۳۷ دقیقه اردوغان از طریق موبایلی از مردم دعوت کرد، به دفاع از دموکراسی برخیزند. مردم با دعوت اردوغان و وزیر امور مذهبی دیانت و دعوت ائمه مساجد بان‌های الله اکبر به خیابان می‌ریزند. معجزه رخ داده است. هازمی و دیگر وزیران خبرهایی مبنی بر چرخش ماجرا به سمت شکست کودتا دریافت می‌کنند. ساعت ۴ صبح، شکست کودتا اعلام می‌شود. هازمی می‌گوید: کودتا خوب سازماندهی شده بود. اما با حرکت ناگهانی اردوغان و مخالفت مردم با کودتا تغییر جهت داد. کودتا می‌توانست موفق شود. اما نتوانست. زیرا مردم حاضر به ترک خیابان نشدند.

پیش می‌برد اما از آنجا که دولت دارای بیشترین قدرت در جامعه است، باید بداند در بحث تروریسم و صلح، انجام چه کارهایی ضروری است و دچار آشفتگی نشود زیرا این آشفتگی تأثیری بر کشوری گذارد که می‌تواند به مراتب جدی تر و عظیم تر از خطر تأثیر تروریست باشد.

در نامه‌ای که از زندان برای گروه نویسندگان بین الملل «پن» فرستادید، نوشته بودید: «جالب است که امروز زندان‌های ترکیه بیش از هر زمان دیگری، محل اجتماع نویسندگان زن و فعالان صلح شده است»، به نظر شما دلیل این مسأله این است که زن‌ها جسارت بیشتری برای «نزدیک شدن به آتش» دارند یا اینکه زن‌ها بیشتر بر هدفشان متمرکز هستند؟

زنان در سال‌های اخیر در همه زمینه‌ها فعال تر شده‌اند. در بخش فعالیت‌های مرتبط با صلح نیز شاهد فعالیت گسترده زنان هستیم. این مسأله باعث شده در زندان‌ها هم شاهد افزایش تعداد زنان سیاسی باشیم. هر چه خواسته‌های آزادی طلبانه زنان افزایش می‌یابد و هر چه گرایش‌های سیاسی بیشتری شود، دشمنان زنان نیز افزایش می‌یابند.

اگر در ترکیه صلح پایدار نباشد چه اتفاقی رخ خواهد داد؟

برای اینکه بدانیم آینده ترکیه بدون صلح پایدار چه خواهد شد کافی است به همسایگان جنوبی خود یعنی عراق و سوریه نگاه کنیم. درست است که مایک کشور عربی نیستیم اما هم مشکلات حل نشده زیادی داریم. در حقیقت صلح هم در معنای وسیع و هم در معنای جزئی تر، خواسته‌هایی تمام گروه‌های حاضر در ترکیه است. مقیاس ما باید این باشد که آیا فلان تصمیم یا فلان حکم حکومتی یا فلان رفتار باعث افزایش تنش در جامعه می‌شود یا باعث کاهش تنش. باید بدون وابستگی به احزاب سیاسی در ترازوی خود این مسائل را وزن کنیم. در مؤسسه خیریه صلحی که عضو هستیم هم این خواسته ترویج می‌شود. شب ۷ ژوئن ۲۰۱۵ (شب انتخابات سراسری در ترکیه که هیچ حزبی اکثریت را کسب نکرد) امید زیادی به داشتن یک ترکیه دموکراتیک تر و آزادتر داشتیم. امروز برای امیدوار شدن به آینده نزدیک ترکیه چه دلایلی داریم. من می‌گویم هر قدر که تلاش کنی به همان اندازه هم حق داری امید داشته باشی، البته منظورم از تلاش، تلاش هدفمند و زحمت کشیدن است.

برای اینکه بدانیم آینده ترکیه بدون صلح پایدار چه خواهد شد کافی است به همسایگان جنوبی خود یعنی عراق و سوریه نگاه کنیم. درست است که مایک کشور عربی نیستیم اما هم مشکلات حل نشده زیادی داریم. در حقیقت صلح هم در معنای وسیع و هم در معنای جزئی تر، خواسته‌هایی تمام گروه‌های حاضر در ترکیه است. مقیاس ما باید این باشد که آیا فلان تصمیم یا فلان حکم حکومتی یا فلان رفتار باعث افزایش تنش در جامعه می‌شود یا باعث کاهش تنش. باید بدون وابستگی به احزاب سیاسی در ترازوی خود این مسائل را وزن کنیم. در مؤسسه خیریه صلحی که عضو هستیم هم این خواسته ترویج می‌شود. شب ۷ ژوئن ۲۰۱۵ (شب انتخابات سراسری در ترکیه که هیچ حزبی اکثریت را کسب نکرد) امید زیادی به داشتن یک ترکیه دموکراتیک تر و آزادتر داشتیم. امروز برای امیدوار شدن به آینده نزدیک ترکیه چه دلایلی داریم. من می‌گویم هر قدر که تلاش کنی به همان اندازه هم حق داری امید داشته باشی، البته منظورم از تلاش، تلاش هدفمند و زحمت کشیدن است.